

زیر آسمان فیروزه ای

«جوانروح» در قطعه هنرمندان آرام گرفت

پورا احمد: هنرمندان مرگ خاموش را تجربه می‌کنند



● **شرق:** حاضران مراسم تشییع پیکر عظیم جوانروح از صبر و انرژِی‌ای که به همکاریاش می‌داد، سخن گفتند. کیومرث پورا احمد نیز با اشاره به همین ویژگی‌ها از تنگ‌نظری‌هایی که به سینما می‌شود، کله‌گردد و گفت که از خاکستر هنرمند هم خلایق‌ت برمی‌خیزد. مراسم تشییع پیکر عظیم جوانروح، فیلم‌بردار سینما و تلویزیون صبح جمعه، هفتم‌آذر با حضور هنرمندانی مانند حسن فتحی، داوود میرباقری، فریبرز عرب‌نیا، فرهاد ورهرام، حسن پورشیرازی، رضا توکلی، فرشته طائرپور، سیدضیاءالدین دری، رضا پانکی، حسام نواب‌صفوی، حسن بشکوفه و... در خانه‌سینما برگزار شد. جوانروح، متولد ۱۳۲۴ از اردیبل بود و شب سه‌شنبه، چهارم‌آذر بر اثر سرطان روده در بیمارستان لاله درگذشت. او ۴۷سال وارد این کار شد و در فیلم‌هایی مانند هفت‌تانه، یکی‌بود یکی‌نبود، قصه‌های کیش، بیقرار، آخرین خون، پهلواز از اردوگاه، ترانزیت، روز فرشته، صبح روز بعد، آواز تهران، مجنون و در انتظار شیطان مدیریت فیلمبرداری را برعهده داشت. جوانروح همچنین در آثاری چون «مختارنامه»، «معصومیت از دست‌رفته» و «شاه‌گوش» با داوود میرباقری همکاری کرد. کیومرث پورا احمد هم دیگر کارگردانی بود که در سریال‌های «قصه‌های مجید» و «سرنخ» با او فعالیت داشت. او در بخشی از مراسم تشییع این هنرمند به این همکاری‌ها اشاره کرد: «من با جوانروح در سرنخ و قصه‌های مجید همکاری داشتم. او به‌سرعت تبدیل به محور گروه می‌شد و سر صحنه بسیار پرتأثری بود.»این کارگردان در توصیف همکاری با جوانروح در سریال «سرنخ» چنین گفت: «گاهی مجبور می‌شدیم تا دو یا چهارصبح کار کنیم و عظیم همچنان پر از انرژی و پر از نشاط بود، حتی من گاهی بعضی از صحنه‌های سریال را به عظیم می‌دادم و او به‌خوبی کار را کارگردانی می‌کرد. عظیم و کار با او برای هر کارگردانی نعمت بود. حالا عظیم رس زندگی را انکشید و پوزخندی به خاک زد و رفت.»پورا احمد سپس از بی‌توجهی به هنرمندان کله‌گردد: «تلخ‌تر از مرگ هنرمندان این است که ما بادمان رفته چه زمانی به آنها سرمی‌زنیم و رسیدگی می‌کنیم و امروز بسیاری از هنرمندان مرگ خاموش را تجربه می‌کنند. همگی بیرون از زمان ایستاده‌ایم و هیچ‌کس با هیچ‌کس سخن نمی‌گوید و خاموشی است.»سخنان او به‌نحوه رفتار سیاستمداران با سینمایی‌ها نیز رسید: «امروز برخی نمی‌توانند بالندگی سینما و فرهنگ را ببینند اما این سینما رشد کرده و خار چشم بسیاری از آنها شده است. همه ما روزی از این دنیا می‌رویم و هنرمندان نیز روزی فوت می‌کنند اما حتی از خاکستر هنرمند هم خلایق‌ت برمی‌خیزد.»او سخنانش را اینطور پایان داد: «عظیم، دمت گرم. به‌هرحال نعمتی برای ما بودی.»سخنران بعدی مراسم حسن بشکوفه، تهیه‌کننده سینما بود که این‌بار به وضعیت تلویزیون نقد کرد: «صحب‌ت‌کردن برایم سخت است. احساس غریبی می‌کنم. در این مدت از خودم پرسیدم چرا خانه سینما؟ و بعد به خودم گفتم خب ما خانه دیگری نداریم. ما از تلویزیون بیرون افتادیم اما سینما و خانه سینما، خانه ماست درحالی‌که اولین نهادهای منفی در حوزه سینما در تلویزیون شکل گرفت. اولین فعالیت صنفی در حوزه‌های فیلمبرداران، کارگردانان و صدابرداران در اتاق‌های کارگردانی و صدابرداری در تلویزیون تشکیل شد اما بعدها این صنف‌ها در تلویزیون از بین رفت.»این تهیه‌کننده سینما همچنین در مورد مشکلات این حرفه گفت: «زمانی تهیه‌کنندگی در سینما تعریف درستی داشت و قرار بود عاملی میان هنرمندان، مردم، رابطه فیلمساز با مردم و مسوولان باشد اما امروز تهیه‌کننده تبدیل به فلک پول شده است. در هر پروژه سینمایی بعد از کارگردان، فیلمبردار بزرگ‌ترین پشتوانه تهیه‌کننده است.» او با این مقدمه از تلاش جوانروح برای پیوند میان این بخش‌ها یاد کرد: «فیلمبرداران تلویزیون و سینما پشتوانه‌های اصلی تهیه‌کنندگان بودند و در این میان او از این هم فراتر بود. او پدری می‌کرد. گروه را جمع می‌کرد و در این سه، چهارکار بزرگی که انجام دادیم تنها کسی بود که می‌شد به او اتکا کرد. او حوصله داشت و هیچ چیز از چشمانش دور نبود. او بزرگ‌ترین اشتباهات یک فرد را در جمع نادیده می‌گرفت اما در خفا این اشتباه را به او گوشزد می‌کرد.»فرخ مجیدی از همصنفان جوانروح هم گفت: «او دانش زیاد و شخصیت پرشورونشاطی داشت. در شرایط دشوار جوانروح ما را نجات می‌داد و در زندگی و کار بسیار انرژی می‌گذاشت.»آنوشیروان ارجمند، بازیگری که تجربه کار با این فیلمبردار را داشت، در ادامه مراسم عنوان کرد: «سال ۵۳ از تهران به مشهد منتقل شدم و نا عظیم چندین تله‌فیلم کار کردیم.»وقتی همه اعضای تیم تلویزیون و تئاتر با هم جمع می‌شدیم واقعا اینطور بود که جای عظیم خالی است و همه به‌دنبال او بودند تا جمع را سازمان ببخشند. در پایان پیکر عظیم جوانروح به‌سمت قطعه هنرمندان بهشت‌زهر(س) تشییع شد.

❧ آنطور که متوجه شدم گروه سینمایی هنر و تجربه مسوولیت بخش فیلم پرویز را برعهده گرفته. این اتفاق خجسته‌ای است که گروهی هنری به‌منظور نمایش فیلم‌هایی مثل پرویز با ماهی و گربه در ایران شکل گرفته است. تأثیر شکل‌گیری چنین گروه‌هایی را برای حمایت از فیلم‌های مستقل سینمای ایران چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا این ترس را ندارید که به‌خاطر حمایت‌شدن از جانب چنین گروه‌هایی، به فیلمتان برچسب خاص‌بودن بزنند؟

اتفاق خیلی مهمی است که این فیلم‌ها به نمایش درمی‌آیند. در حقیقت بعد از چند تجربه ناموفق که کاملاً از عدم‌مدیریت و درواقع از سوء‌مدیریت و فهم غلط ناشی می‌شد، حالا تصمیم جدی و عزم بلندی برای اکران سینمای دیگر ایران پا گرفته است. دوره تاریخی مهمی برای این فیلم‌هاست. در سی‌وچندسال گذشته مهم‌ترین فیلم‌های این کشور فقط به‌خاطر کج‌سلیقگی و بهانه‌هایی مثل تصمیم سینماداران و مسوولان شورا‌های نمایش به نمایش درنیامد. به همین‌خاطر می‌گویم دوران مهمی است و فرصتی است که باید به آن توجه کرد. حتماً سال‌ها بعد درباره این تصمیم و کار مدیران آن و به‌ویژه شورای سیاست‌گذاری بیشتر خواهیم شنید. می‌دانم که گروه بسیار بزرگی از مخاطبان جدی هنر در ایران بدون شک مشتاق دیدن این آثار هستند - حتی اگر از چنین آثاری خوششان نیاید- و البته که از اکران «پرویز» در این گروه هیچ ترسی ندارم. درواقع از دوگزینه اکران‌نشدن و اکران در گروه سینمای هنر و تجربه، دومی را انتخاب کردم. اما اگر بپرسید که در شرایط طبیعی چه گروهی را انتخاب می‌کردم باز هم هنر و تجربه را انتخاب می‌کردم. واقعیت این است که این فیلم‌ها خالصند. اما مخاطب خاص هم کم نداریم. می‌گویم این گروه را انتخاب می‌کردم چون مخاطب این گروه از قبل می‌داند قرار است چه فیلمی ببیند. انتخاب می‌کند و به سینما می‌رود. این خیلی مهم است.

❧ **خاطره بعضی فیلم‌ها همراه با خوردن ذرت بوده‌و چپس در همان سینما کاملاً از ذهن محو می‌شود. ولی پاره‌ای از فیلم‌ها هستند که آدم را تا هفته‌ها درگیر خود می‌کنند. فیلم پرویز از جمله کارهای گروه دوم است. شخصیت پرویز و اتفاقاتی که برایش رخ می‌دهد در مجموع فضایی را ساخته که خودم آن را به‌راحتی فراموش نخواهم کرد. اگر ممکن است مقداری از فکر اولیه فیلم و چندوچون شکل‌گیری آن بگویید.**

حتما همین قصد را داشتیم. فیلم محصول دوران خاصی است. چندسال سخت‌که بر من گذشت؛ سال‌هایی که اکثریتی بزرگ تنها بودند. در سینما فضا چنان تلخ و عصبی بود که باورکردنش مشکل بود و اتفاقاً در همان فضا فیلم را ساختم. طرچی در ذهن داشتم درباره مردی که شغل خاصی دارد که در سکوت برگزارش می‌کرد. در رادیو کار می‌کرد و مسوول ساخت صداهای نمایش‌های رادیویی است و به این سال‌ها سکوت، وانگشی خوش نشان می‌دهد. بعد با همکارم، حامد رجبی طرح را در میان گذاشتم و او نکات جذابی را مطرح کرد و به طرچی رسیدیم. با اضافه‌شدن بردی‌یادگاری به گروه، نوشتن فیلمنامه سرعت گرفت و در مدت بیشتر از یک‌سال نسخه‌هایی از فیلمنامه را نوشتیم و دست‌آخر به همین نسخه نهایی رسیدیم. برایم مهم بود که فیلم تأثیرگذاری بشود. قصه و فیلمنامه چنین نیرویی را داشت. باید کاری می‌کردم این تلخی و خشونت به‌راحتی فراموش نشود.

❧ **جنجال‌های زیادی پیرامون فیلم شما در این چندساله برپا شد. عده‌ای فیلم را سیاه‌نامی قلمداد کردند. هرچند که به نظر من فیلم اصلاً سیاه‌نامی نیست و مرا یاد نوشته‌های هانا آرنت راجع‌به امر سیاسی و نقش فرد در جامعه می‌اندازد. آرنت می‌گوید که آدم برای جانی‌نگارشدن لازم نیست که مثلاً دیو شاخدار باشد، در هرکس این قابلیت وجود دارد که دست به جنایت بزند؛ نظر خودتان پیرامون انگ سیاه‌نامی به فیلمتان چیست؟ آیا به‌دلیل این برچسب، در نسخه روی پرده سانسوری اعمال شده است؟**

در این دوسه‌سال که از ساخت فیلم می‌گذرد، تحلیل‌ها زیاد بود؛ از سیاه‌نامی و سیاسی‌بودن گرفته تا بی‌ارزش‌بودن و غیراستاندارد‌بودن. نمی‌دانم. شاید اینطوری باشد. باید فیلم را دید. من اصلاً «سیاه‌نامی»

را نمی‌فهمم. درباره این فیلم که اصلاً نمی‌فهمم. قصدم دقیقاً مطرح‌کردن همان پرسش فلسفی‌ای بود که گفتید و فکرکردن درباره موضوعاتی که در ذهن داشتم، درباره نادیده‌گرفتن و تحقیر. درباره سمت‌وسوی تاریک قدرت. درباره مکان‌باختگی و چیزهایی که در فیلم هست. اما سیاه‌نامی؟ نه با این موافق نیستم. حتی اگر فیلم را به برداشت‌های سیاسی هم بدهد خودم با برداشت‌های سطحی از فیلم مخالفم و فکر می‌کنم با این تحلیل‌ها سطح پایین می‌آید.

❧ **بخش اول فیلم که در آن پرویز به پدر خود تلفن می‌زند و او را تهدید می‌کند با منطق تمام داستان‌ها متفاوت دارد. در فیلم، فلاش‌بک یا فلوروارد نداریم. درواقع، بخش اول کیفیتی کلاسیک‌وار را به اثر بخشیده و به آن حس تعلیق داده و بیننده را به‌نوعی درگیر فیلم کرده است؛ خصلتی که با منطق تجربی باقی فیلم تفاوت دارد. به چه دلیل احساس کردید که وجود چنین بخشی در اول فیلم ضروری است؟ آیا با ساختار تجربی باقی فیلم تضاد ندارد؟**

شاید. آن صحنه تا دقیقه ۲۸-۲۹ فیلم است. در فیلمنامه اینطور نبود و زمان تدوین تصمیم گرفتیم آن سکانس را قبل از عنوان‌بندی بیاوریم. مردی در تاریکی نشسته است. دمدمای صبح است. بلند می‌شود و تلفن را برمی‌دارد و به کسی زنگ می‌زند. به پدرش. و می‌گوید که می‌خواهد زندگی‌اش را خراب کند. می‌خواستیم تماشاگر با شخصیتی عجیب روبه‌رو شود و بعد بگویم اصلاً صبر کن تا از اول برایت داستانی تعریف کنم. یکی بود. یکی نبود پرویزی بود در شهرکی با پدرش زندگی می‌کرد... «پرویز». یعنی تماشاگر بداند این پرویزی که ۳۰دقیقه اول می‌بیند باید سرنوشت دیگری پیدا کند.

امروز نمی‌دانم آن سکانس برای اول فیلم خوب است یا باید برمی‌گشت سر جایش. به‌هرحال تصمیمی بود که آن زمان گرفتیم.

❧ **در مصاحبه‌های قبلی شما خواندم که دوست داشتید فیلمی ضدشخصیت بسازید. الگویتان روبیر برسون بود. ولی درواقع برای من بیننده سخت است که باور کنم که فیلم شخصیت ندارد. فیلم‌های برسون مثل جی‌بربر را می‌توان کاملاً با**



جام‌جم‌سیمه: در دومین یادواره زنان شهیده سپاه حضرت محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ از الهام چرخنده و مادران معظم شهدای انقلاب، جانبازان و ایثارگران تجلیل شد. این مراسم حجت‌الاسلام مهدی طائب، فرمانده قرارگاه عمار به جایگاه شهدا اشاره کرد و گفت: در هر مراسمی که در بزرگداشت شهدا برگزار می‌شود باید به این سه سوال پاسخ داد که آیا این شهدا برزعه بودند یا بازنده، اینکه شهدا زنده هستند یا زنده نیستند یعنی چه و ما هم‌اکنون به کجا رسیده‌ایم. در ادامه این مراسم از الهام چرخنده، بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون تقدیر شد و حجت‌الاسلام طائب خطاب به وی گفت: چرخنده نام فامیلی این هنرمند کشورمان است که از امروز ما ایشان را

مجیدبرزگراز «پرویز» می‌گوید

سکوت، واکنشی خشن است

امیر گنجوی



عکس شرق

سرانجام بعد از سه‌سال، امکان تماشای فیلم پرویز به همت گروه هنر و تجربه فراهم شد. پرویز که از کارهای تحسین‌شده سینمای ایران در جشنواره‌هاست، به ماجرای پسری با نقش آفرینی لوون هفتوان می‌پردازد که بعد از سال‌ها زندگی با پدر به‌دنبال ازدواج مجدد وی، از خانه پدری و شهر محل زندگی‌اش طرد می‌شود. پسر که تا قبل از این ماجرا «ظاهر» مورد احترام اهالی شهرک بوده، ناگهان با چهره سرد و بی‌رحم اهالی شهرک محل زندگی‌اش روبه‌رو می‌شود. کسانی که دیگر تاب تحمل او را ندارند او را از کار بیکار می‌کنند. پسر مجبور می‌شود به‌دنبال شغلی جدید برود تا بتواند زندگی خود را اداره کند. بی‌مهری پدر و اهالی شهرک در قبال پسر بدون جواب باقی نمی‌ماند، فیلم در نهایت با شورش او علیه پدر و اهالی شهرک پایان می‌یابد. داستان پرویز را در سینما زیاد شنیده‌ایم. داستان شخصیتی که از جامعه شهری طرد می‌شود و علیه این ناعادلتی قیام می‌کند. با این وجود، «پرویز» فیلمی خوب و به‌یادماندنی از آب درآمده است و این دلایل مختلفی دارد. نقش مجید برگزر، کارگردان فیلم در این مورد اهمیت فراوانی دارد. در کارنامه او جوایز زیادی به چشم می‌خورد از جمله جایزه بهترین کارگردانی فیلم‌اولی چهاردهمین جشن خانه سینما و جایزه ویژه هیات داوران جشن سن سباستین ۲۰۱۲گفت‌وگوی «شرق» را با این کارگردان می‌خوانید.

بازیگرانی متفاوت تصور کرد. در سینمای برسون بازیگران معمولاً در تقابل با پس‌زمینه‌ها به چشم می‌خورند و بار سنگین محیط را می‌توان بر دوش شخصیت‌هایشان حس کرد. معمولاً نماهای نزدیک را برای حس همدات‌پنداری به کار نمی‌برد. ولی در پرویز بازی لوون هفتوان کاملاً بر فیلم سنگینی می‌کند. تأثیر محیط بر شخصیت به چشم می‌خورد، با این‌ا وجود سخت‌ است که کسی دیگر را به‌جای او در نظر گرفت. حتی با جانی‌نگاری‌اش کاملاً می‌توان همدات‌پنداری کرد. فیلم تا چه حد تحت‌تأثیر آقای هفتوان شکل گرفت؟ آیا نتیجه نهایی فیلم با نظر اولیه‌تان برای بی‌شخصیت‌بودن در فیلم تفاوت دارد؟ آیا به این تفاوت آگاه بودید یا ناخواسته رخ داد؟

یادم نمی‌آید جایی گفته باشم ضد شخصیت و اصلاً نمی‌دانم ضدشخصیت یعنی چه؟ اما درباره برسون با شما اختلاف نظر دارم که شاید جایش این بحث نباشد. به‌هرحال، فکر نمی‌کنم بازی لوون بر فیلم سنگینی کند. او این نقش را یک‌دست، ظریف و دقیق بازی کرد. همان‌طور که می‌خواستیم و طبق فیلمنامه به شخصیت پرویز روح داد. قرار و قصد من همین بود. قرار بود قضاوتی نکنم. درباره کسی قضاوت نکنیم. آنقدر که حتی در جنایت‌هایش هم با او همدات‌پنداری کنیم. فیلمنامه را از خیلی قبل نوشته بودیم و تمام‌مدت دنبال بازیگری بودم که نقش پرویز را بازی کند. بزرگ‌ترین چالش برای من در ساخت این فیلم پیداکردن بازیگری برای ایفای این نقش بود. چندنفر هم تا نزدیکی‌های نقش آمدند. می‌دانستم چهره مشهوری این نقش را بازی نخواهد کرد.

لوون از آخرین کسانی بود که دیدم. حتی در اولین جلسه به او گفتم که به نقش نمی‌خورد. چندروزی گذشت و در نهایت تصمیم قطع‌ی را گرفتیم. باید این نقش را لوون بازی می‌کرد. به نظر من چنان در نقش نشست که حالا تصور «پرویز» بدون لوون هفتوان سخت است. با تمرین‌ها و حرف‌هایمان با لوون قبل و حین فیلمبرداری و البته اتکای کامل و وفاداری به فیلمنامه، همه چیز آگاهانه جلو می‌رفت. قرار نبود

خودمان را غافلگیر کنیم. هیچ‌کس حق کار بداهه نداشت. فرصت این کار را نداشتیم. داشتن بازیگری با توان و هنر لسونن برایم گزیده بود. شاید تجربه‌ای اینچنین در کارگردانی و بازیگری تئاتر نداشت. اما اعتماد کرد و از تجربه‌هایش در فیلم استفاده کرد.

❧ **شخصیت پرویز تا حدی شبیه شخصیت لوون در فیلم لرزاننده چربی شده است. رابطه پدر و پسری و عقده ادیبی در هردو به چشم می‌خورد. آیا این تنها از روی اتفاق است؟ آیا در جریان فیلم لرزاننده چربی بودید؟ آیا این دغدغه را داشتید که شخصیت‌های دو فیلم یکی نشود؟**

بله تصادفی بود. این دو فیلم با فاصله بسیار کوتاهی از هم تولید شدند؛ اول «لرزاننده چربی» و بعد «پرویز». فیلمنامه پرویز یعنی دقیقاً همین چیزی که امروز بر پرده می‌بینی.یکمی،دوسال قبل از تولید در خانه سینما ثبت شده است. مطلقاً از فیلمنامه آن فیلم هم بی‌خبر بودم. نمی‌دانم فیلمنامه کامل دارد یا نه؟ و منظورم فیلمنامه مکتوب است. وگرنه حتماً کارگردان می‌دانسته چه می‌خواهد و آن را هم اجرا کرده است. آن فیلم یکی،دوماه قبل از پرویز ساخته شد و یک‌سال بعد از پرویز به نمایش درآمد و من شباهتی هم بین این دو فیلم نمی‌بینم. عقده ادیب در آن فیلم؟ نمی‌دانم

❧ **با وجود تمامی خوبی‌های فیلم یکی از مشکلات فیلم به نظر من در یک‌سطح‌نبودن بازی‌های فیلم در بخش‌های زیادی از آن است. به نظر من، شخصیت پدر به هیچ‌عنوان مثل شخصیت پرویز از آب درنیامده است. از لحاظ سنی پدر باورنکردنی است. شخصیت او جوری شده که هرکس دیگر به جای او بود می‌توانست آن نقش را بازی کند؛ چیزی که در مورد پرویز صادق نیست. آیا از الگوهای متفاوت بازیگری در فیلم استفاده کردید؟**

البته با همه نظرات شما موافق نیستم. اما در بخش‌هایی می‌توانست بازی‌ها به شکل دیگری باشد. اتفاقاً در آن بخش حرف‌هایم که باید از روی برسون فقید رفت، مقصودم پاره‌ای از نظرات او درباره بازیگری بود و در این فیلم هم از آن شیوه استفاده کردم. اتفاقاً در مورد لوون هم از این نکته استفاده کردم. به نظر من خیلی سن پدر، عجیب و باورکردنی نیست. می‌تواند فقط ۲۰سال از پرویز بزرگ‌تر باشد. مقرراتی است و هنوز ورزش می‌کند. در این سن می‌خواهد ازدواج کند. هنوز است و باقدرت و آقای بهروزیان که بازیگر قدیمی و باسابقه‌ای در تئاتر است، به نظر ما درک این نقش را بازی می‌کند. بادمان باشد لوون برای تثبیت بازی‌اش، ۱۰۴دقیقه، یعنی کل طول فیلم فرصت دارد و بقیه نه. جز مواردی، باقی بازی‌ها درست‌اند، اما شاید خلاف عادت فیلم‌دبیرن ما باشند. کمی عجیب شاید باشند. به اصرار مایل بودم بازی‌ها «رنال» نشوند، چیزی که این روزها در سینمای ما امتیاز است اما به نظرم بازیگری نیست.

❧ **در تمام فیلم از یک لنز استفاده شده است. دلیل استفاده کردن از یک لنز در تمامی فیلم چیست؟ آیا کارکرد شکل خاصی را دنبال می‌کردید؟**

می‌خواستم به لحن فیلم کمک کنم. می‌خواستم به روایت اول شخص برسیم. دوربین مدام با پرویز است. پس باید دوربین اندازه‌ای شبیه اندازه دید چشم آدمی می‌داشت که حس روایت از منظر پرویز را پیدا می‌کرد. لنز نرمال می‌توانست به این حس کمک کند. در این فیلم نماهای نزدیک و دور، اینسرت‌ها و بقیه اندازه نماها را با لنز نرمال گرفتیم و تأثیرش را می‌بینیم. لنزها با فاصله کانونی مختلف، تأثیرهای مختلف دارند. لنز نرمال توانست این یکدستی را به فیلم بدهد.

❧ **فیلم در جشنواره‌های مختلفی شرکت کرده است. استقبال از فیلم چطور بود؟ آیا نظرات جالبی را خاصی در مورد فیلم شنیدید؟**

برای فیلمی با این موضوع و این لحن، استقبال فوق‌العاده بود. به‌هرحال پرویز فیلم شیرینی نیست. اما از بر خوردها خوشم آمد. گروهی خیلی از فیلم خوش‌شان آمد و گروهی اصلاً. این برای من معنی‌اش این است که فیلم متوسطی نشده. مهم‌ترین نکته درباره‌اش شاید این باشد که در بسیاری از کشورها معتقد بودند «پرویز» می‌تواند هر کدام از آنها باشد. پرویز می‌توانست در ژاپن، آمریکا، نروژ، فرانسه یا اسپانیا ساخته شود. یعنی موضوع و بحث از یک جغرافیا و یک دوران تاریخی خارج شده و انسانی و بی‌زمان است. شاید این طور باشد.

چهره روز

برگزاری نهمین سالروز درگذشت مرتضی ممیز طراح فنلاندی، میهمان ایرانیان شد



● **شرق:** اهالی گرافیک باردیگر به مناسبت سالروز درگذشت مرتضی ممیز گردهم آمدند. نهمین سالروز درگذشت مرتضی ممیز امسال نیز طبق روال سالیان قبل به سخنرانی دوستان و همکارانش و برپایی نمایشگاهی از آثار او و یک طراح گرافیک خارجی برای زنده‌نگه‌داشتن یاد و نام «پدر گرافیک ایران» اختصاص داشت. مرتضی ممیز که یکی از پیشگامان طراحی گرافیک در ایران محسوب می‌شود در پنجم آذر ۱۳۸۴ از دنیا رفت. هرساله به همین مناسبت برنامه‌هایی همراه با سخنرانی و برپایی نمایشگاه در خانه هنرمندان ایران تدارک دیده می‌شود. امسال نیز این مراسم روز جمعه، هفتم‌آذر با افتتاح نمایشگاهی از اتودهای مرتضی ممیز و نشانه‌های ابراهیم حقیقی، دیگر طراح شناخته‌شده گرافیک در نگارخانه‌های ممیز، پاییز و زمستان خانه هنرمندان ایران آغاز شد. همچون سنت سال‌های گذشته، یک‌طراح گرافیک خارجی که در حرفه خود در دنیا مطرح است، به‌عنوان میهمان ویژه در این مراسم حضور دارد. این‌بار نیز نوبت به کاری بیبو از فنلاند رسید تا آثار و طراحی‌های خود را در نمایشگاهی با نام «ساده، قوی و شفاف» در نگارخانه ممیز خانه هنرمندان به نمایش بگذارد. همچنین کارگاه یک‌روزه‌ای نیز با حضور این هنرمند روز یکشنبه، ۹ آذر از ساعت ۱۶تا۱۹ به موضوع «کودکی من» در مدرسه ویژه برگزار خواهد شد. بیبو در بخشی از نمایشگاه مجازی آگازش که پیش از این در سایت «وبترین روز» به نمایش گذاشته شد، گفته بود: «طراح نیازمند آن است که بتواند بفهمد چه اتفاقی در دنیای هنر در حال رخ‌دادن است. بنابراین همیشه باید برای ارایه ایده‌ها نو آماده باشید. من به‌عنوان یک طراح گرافیک می‌خواهم مثبت و هنر را ترکیب کنم. سعی من در این است که عقایدم را به ساده‌ترین نحو ممکن بیان کنم. به همین دلیل از فرم‌های ساده و رنگ‌های شفاف استفاده می‌کنم.»این نمایشگاه‌ها تا ۱۳ آذرماه در خانه هنرمندان ایران به نشانی خیابان آیت‌الله طالقانی، خیابان موسوی شمالی درحال برگزاری است.

تماشا خانه

در حمایت از هنرمندان مبتلا به سرطان

● **شرق:** هما روستا، نمایشنامه «آنا کارنینا» را در حمایت از هنرمندان سرطانی بازخوانی می‌کند. نمایشنامه «آنا کارنینا» با کارگردانی «هما روستا»، پانزدهم‌آذر در کتابخانه ملی و در حمایت از هنرمندان مبتلا به سرطان نمایشنامه‌خوانی می‌شود. ترانه علیدوستی، حسن معجونی، رضا بهبودی، اشکان خیطیسی، ستاره پسایانی، لیلی رشیدی، شبنم فرشادجو، هومن کیایی، نگار عابدی و محمد چرمشیر در این تکا‌اجرای نمایشنامه‌خوانی حضور دارند. همچنین بامداد افشار اجرای موسیقی و افکت را در این نمایشنامه‌خوانی برعهده دارد. بهیای بلیت نمایشنامه‌خوانی آنا کارنینا به‌صورت همت‌عالی خواهد بود و علاقه‌مندان برای دیدار از این برنامه می‌توانند روز شنبه پانزدهم‌آذر، ساعت ۱۸:۳۰ به کتابخانه ملی، واقع در اتوبان ققانی مراجعه کنند.

نوبت اول

شرکت ملی گاز ایران

شرکت پالایش گاز فجر جم

۱-نام ونشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش گاز فجر جم به نشانی استان بوشهر- شهر ستان جم - پالایش گاز فجر جم- امور کالا کد پستی ۷۵۵۶۱۵۴۸۶۴					
۲- موضوع مناقصه: وقف جدول ذیل به صورت آگهی فراخوان عمومی دو مرحله ای					
ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	تضمین شرکت در مناقصه	نوع مناقصه از لحاظ: فراخوان	
			مبلغ ریال	نوع تضمین	
۱	۲۰۸۸۸۸۰۱۰۱	قطعات الکترونیالیز (NET SPACER ANION&CATION)	۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰	ضمانتنامه بانکی/ نقدی	ارزیابی عمومی – دو مرحله ای

۳- میزان ونوع تضمین شرکت در مناقصه: مطابق با جدول فوق وبصورت نقدی با ضمانتنامه بانکی می باشد.

۴- محل زمان ومهلت دریافت اسناد: محل دریافت اسناد اداره مرکزی شرکت پالایش گاز فجر جم یا ارسال از طریق پست پیشتان زمان دریافت اسناد حداکثر ۱۰روز بعد از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم مهلت ارائه پیشنهادات وباز گشایی آنها بانضمام اسناد مناقصه اعلام می گردد.

مناقصه گران محترم می توانوند جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکي این شرکت به نشانی: WWW.FAJRJAM.IR یا به آدرس استان بوشهرشهرستان جم شرکت پالایش گاز فجر جم – امور کالا کد پستی ۷۵۵۶۱۵۴۸۶۴ مراجعه با یا شماره تلفن: ۷۶۲۸۵۸۸-۰۷۷۳ تماس حاصل نمایند.
ضمناًفراخوان مناقصه مذکور در پایگاه اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http://iots.mporg.ir و پایگاه اطلاع رسانی شرکت ملی نفت ایران به نشانی www.shana.ir نیز قابل مشاهده می باشد.

روابط عمومی شرکت پالایشگاه گاز فجر جم

نوبت اول: شنبه ۹۳/۸/۹
نوبت دوم: شنبه ۹۳/۹/۹